

گفت‌وگو

یعقوب توکلی، استاد دانشگاه و پژوهشگر تاریخ معاصر در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کرد

نماد ضدیت با سرمایه‌داری جدید

یعقوب توکلی، استاد دانشگاه و پژوهشگر تاریخ معاصر با اشاره به سیره سیداحمد خمینی و نوع مواجهه او با چالش‌های پیش‌روبه «فرهیختگان» گفت: «ارتباط‌گیری وپیوند مرحوم سیداحمد‌آقای خمینی با تفکر امام (ره) و انقلاب اسلامی یک‌روندرو به‌تکامل بودودرک این‌مساله که ایشان در کجای تاریخ انقلاب اسلامی ایستاده، در فهم زندگی سیاسی ایشان خصوصاً در دهه آخر کاملاً حائز اهمیت است.»
وی افزود: «حضور در شرایط جنگی و تحولات مربوط به دفاع مقدس به‌عنوان یک‌واسطو امن‌ترین محمل انتقال تصمیمات امام (ره) به جامعه و مسئولان نکته‌ای بسیار مهم در زندگی تاریخی ایشان بود.»
توکلی یکی از بارزترین ویژگی‌های شخصیتی مرحوم سیداحمد خمینی را حزم اندیشی و برخورد مدبرانه با امور دانست و گفت: «تلاش برای سلامت‌نگه داشتن دفتر حضرت امام (ره) از کشمکش‌های سیاسی که اواسط دهه ۶۰ در ایران اوج گرفته و دامنه آن تا حدود زیادی به جریان روحانیت نیز کشیده شده بود، یکی از مصادیق این حزم اندیشی بود.»
مدیر گروه انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم هوشمندی سیداحمد در مواجهه با مشکلات و نفوذ پیچیده و بسیار خطرناکی که در دفتر مرحوم منتظری اتفاق افتاده بود را مصداق دیگری از این رویکرد دانست و ادامه داد: «اقدام هوشمندانه در نگارش رنج‌نامه که در واقع بخش زیادی از مسائل آن دوران را روشن کرده بود تا حدود زیادی برای اقشار مختلف جامعه فصل الخطاب تلقی می‌شد.»
وی خاطرنشان کرد: «موانعی در مسیر انقلاب در حال شکل‌گیری بود و می‌رفت تا برخی از اذهان را به سمت یک اختلاف بی‌درمان پیش ببرد، اما دقت نظر ایشان در نوشتن کتاب رنج‌نامه کمک بسیار مهمی در آن شرایط کرد و بسیاری از غبارها و فروشاندن افکار عمومی جامعه را افقاع کرد.»
توکلی ادامه داد: «یکی دیگر از مواردی که مرحوم سیداحمد واکنش درخور توجهی را از خود نشان داد، آن بود که به‌رغم طرح رزمه‌هایی مبنی بر جاشینی امام، وی بر صلاحیت آیت‌الله‌خامنه‌ای برای رهبری صحه گذاشت و بر نگامش تبرکیر انقلاب برای رهبری آیت‌الله خامنه‌ای تاکید کرد.»
موضوعی که یکی از پایه‌های انتقال جایگاه رهبری به آیت‌الله‌خامنه‌ای بود.»
این پژوهشگر تاریخ معاصر یادآور شد: «این مساله در آن شرایط و برای فرآیند انتقال رهبری نقطه قوت بسیار مهمی

تلقی می‌شد و کارکرد دقیق و درستی در آن زمان به جای گذاشت.»
وی در تشریح سایر ابعاد دوران دیشی و حزم سید احمد آقا گفت: «یکی از کنش‌های اصلی ایشان که در سال‌های آخر زندگی ایشان نمود یافت و اثر حائز اهمیتی نیز داشت، درک و شناخت صحیح نسبت به سرمایه‌داری در حال تکوین در جامعه بود؛ درکی که نمود بارز و عینی آن سخنان تند ایشان در نقد شکل‌گیری این فرآیند بود.»
توکلی ادامه داد: «روند مذکور مخاطرات فراوانی را در پیش داشت و به‌رغم اینکه دولت‌سازندگی در اوج قدرت بود و همه منتقدان را با فشار و تبلیغات رسانه‌ای از میدان به‌در می‌کرد و سخنرانی‌های آقای هاشمی در نماز جمعه نیز مخالفان آن رویه را از پیش‌رو برمی‌داشت و اساساً در آن بستر کمتر منتقدی اجازه اعتراض جدی می‌یافت.»
رویکرد مرحوم سید احمد آقا در نقد شکل‌گیری فرآیند جدید سرمایه‌داری در ایران صدای اعتراضی بلندی را در جامعه تولید می‌کرد.»
این پژوهشگر تاریخ معاصر با بیان آنکه سرمایه‌داری مورد انتقاد سیداحمد آقا در دوره ما به شکل‌گیری سرمایه‌داری تبهکار در ایران منتهی شد و جامعه را با یک غول عظیم و بیمار و کثیف مواجه کرد که ارزش‌های آن را در معرض نابودی قرار داد و در بخش‌های مختلف مدیریتی کشور رخنه کرد، ادامه داد: «امروز که سال‌ها از طرح آن انتقادات گذشته و کار جامعه به اینجا رسیده، بیش از همیشه آن دورنگری، شجاعت فهم دقیق نسبت به مسائل جامعه و طرح هوشمندانه و درمندانۀ آنها رخ می‌نماید، لذا پیراه نیست اگر بگویم امروز مانیاز جدی به بازخوانی آن سخنان داریم.»
توکلی افزود: «مهم‌تر از آن این است که ما امروز نیاز جدی به این صراحت و شجاعت در بین مسئولان و مقامات داریم تا بیش از این به آن غول هفت‌سر اجازه جولان و از بین بردن اعتماد و آبروی نظام راندهد.»
این پژوهشگر تاریخ اضافه کرد: «مضمون بیانیه نهایی مرحوم سیداحمد آقا می‌تواند برای بسیاری از منسوبین به خانواده‌های بزرگان نظام و فرزندان آنها راهگشا و الهام‌بخش باشد. به‌ویژه در شرایطی که این منسوب‌بودن در پاره‌ای موارد تبدیل به امری زشت و منحوس شده، لذا چاره‌ای نداریم جز اینکه حرف از پسران ناباب و پزیرم و آن عدالت‌خواهی مرحوم سیداحمد آقا در بیانیه اخراشان را که برانگیخته از روح و شجاعت و ایستادگی حضرت امام بود، یادآور شویم.»

سیاست

بیست‌وچهار سال پس از رحلت حاج سیداحمد خمینی فرزند امام راحل «فرهیختگان» حیات سیاسی وی را در گفت‌وگو با کارشناسان بررسی کرد

درستیز با لیبرال‌ها

سلیمی نمین در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از مجاهدت‌های سیداحمد خمینی گفت

با نام امام، دنبال منفعت‌طلبی نبود

ساعته حضوری داشتند. مرحوم احمدآقا از جمله افرادی است که اشراف‌بر تلاش‌های امام داشت، لذا بعد از اینکه آقای منتظری حاضر نشد جریان ناسالم حاکم بر بیت خود را کنار بگذارد و به عبارتی هزینه علیه انقلاب ایجاد کرد و به دفاع از جریان منافق تن داد، امام ناگزیر شدند آقای منتظری را کنار بگذارند.

احمدآقا بر این مسائل شاهد بودند.»

این پژوهشگر تاریخ معاصر افزود: «وقتی تصمیم امام بر عزل آقای منتظری علنی شد، احمدآقا که شاهد همه رنج‌های امام در این راستا بود، این خاطرات و اسناد و تلاش‌ها را در قالب رنج‌نامه عرضه کردند که به‌نظم از منابع بسیار ارزشمند برای جوانان است تا بفهمند امام چقدر رنج بردند که برجسته‌ترین شاگرد ایشان در این وادی قرار گرفتند و تلاش کردند مسیر ایشان را تغییر دهند.»

رئیس دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران، در ادامه گریزی نیز به اتهامات نهضت آزادی علیه مرحوم سیداحمدخمینی داشت و تاکید کرد: «آقای ابراهیم یزدی اتهاماتی از جمله مخدوش بودن دستخط امام مبنی بر انحلال نهضت آزادی مطرح کرد و دادگاه تشکیل شد و خشناسی کردند و درنهایت آقای یزدی از موضع خود برگشت و محکوم شد. با این‌حال در حال حاضر نیز شاهد هستیم افرادی که از نظر سیاسی خیلی سابقه ندارند و خیلی در عرصه سیاست قدرت تشخیص بالایی ندارند، ممکن است تحت تاثیر احساسات باشند و همچنان در این راستا اظهاراتی داشته باشند که به نظر من ارزش طرح کردن ندارد.»

سلیمی نمین افزود: «وقتی در صداقت احمدآقا کمترین تردیدی نداریم و عملاً مرحوم سیداحمدآقا این را اثبات کرده و هیچ اقدام منفعت‌طلبانه‌ای در طول عمر خود انجام نداده است، چه دلیل و نفعی وجود دارد که در مساله‌ای جزئی درباره نهضت آزادی نامه امام راجعل کند، در حالی که ایشان در کنار کسی مدت‌ها قرار گرفت یعنی امور امام را برعهده داشت که می‌توانست بایک اشاره خیلی کارها انجام دهد، ولی هرگز سوءاستفاده در این زمینه از ایشان شاهد نبودیم و در تاریخ هم به ثبت نرسیده است.»

می‌توانست به سهولت از مراتب قدرت استفاده کند، تا جایی که بعد از فوت امام حداقل برای رئیس‌جمهوری ایشان مانعی وجود نداشت و هر دو جناح از ایشان حمایت می‌کردند، ولی حتی ایشان در این‌وادی هم قرار ننگرفت.»
یعنی درباره رهبری خبرگان در این مسیر قرار نگرفت و دنبال اینکه چیزی برای خود رقم‌بزنند نبود و این باعث روسیاهی کسانی شد که به ایشان نسبت‌های ناروایی را می‌دادند. «رئیس دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران در ادامه با اشاره به خاطرات منتظری تصریح کرد: «آقای منتظری در خاطرات خود تیرهای زهرآگینی را متوجه ایشان می‌کند و علت عزل خود را به احمدآقا نسبت می‌دهد و مدعی است که طراح‌ی‌های احمدآقا بوده است؛ تهمتی که در زمان حیات امام و بعد از رحلت امام هم مطرح کردند. متأسفانه حتی با وجود اینکه بعد خودشان دیدند احمدآقا اصلاً دنبال این بحث‌ها نیست، ولی در زمان نگارش خاطرات یعنی در سال ۸۰ باز همان اتهامات را علیه فرزند خلف امام مطرح کردند و به ثبت رساندند.»

وی در ادامه به رنج‌نامه سیداحمد خمینی اشاره کرد و افزود: «مرحوم احمد آقا از نزدیک ناظر در درونجی بود که امام درباره آقای منتظری متحمل شد. امام چندین سال به صورت غیرعلنی تلاش کردند تا آقای منتظری را نسبت به جریان ناسالمی که در کنار ایشان قرار گرفتند، حساس کنند. البته این بحث منحصر به امام نبود؛ یعنی خیلی از دلسوزان آقای منتظری از جمله آیت‌الله‌مشکینی تلاش زیادی کردند برای اینکه آقای منتظری را از حصار یک‌سری آدم‌های ناسالم خارج کنند. آیت‌الله‌مشکینی هم در این زمینه‌نامه‌ای تاریخی دارند و طی نامه‌ای از سال‌ها پیش، نسبت به اطرافیان و بیت آیت‌الله منتظری اعلام خطر کرده و با صراحت ایشان را به پاک کردن طرافش از افراد فاسد دعوت کرده‌اند.»
سلیمی نمین تاکید کرد: «امام بیش از دیگران تلاش کردند آقای منتظری را از وادی‌ی که بر ایشان مسلط شده و برخی جریان‌ات ناسالم بود، بیرون بیاورند. به عبارتی امام در این زمینه واقعا خون دل خوردند؛ یعنی نامه‌هایی محرمانه نوشتند و پیک‌های محرمانه گسیل داشتند و جلسات چندین

عباس سلیمی نمین، پژوهشگر و کارشناس تاریخ معاصر، سالگرد فوت سیداحمد خمینی را یادآور مظلومیت آن مرحوم خواند و به «فرهیختگان» گفت: «مرحوم احمدآقای خمینی در کنار شخصیتی حضور داشت که اگر کمترین منفعت‌طلبی شخصی را می‌خواست دنبال کند، خیلی کارها می‌توانست انجام دهد. در زمان حیات ایشان برخی عداوت‌ها و کینه‌ورزی‌ها موجب شد اتهاماتی به ایشان زده شود مبنی بر اینکه ایشان به دنبال تثبیت قدرت خود است تا بعد از فوت پدر بزرگوارشان بتواند جای ایشان را بگیرد! این بحث‌ها خیلی گسترده مطرح می‌شد و برخی بسیار ظالمانه این اتهامات را علیه ایشان مطرح می‌کردند.»
این پژوهشگر تاریخ معاصر تاکید کرد: «بعد از رحلت امام کمترین تمایل به قدرت را از ایشان شاهد بودیم. با وجود اینکه یک جریان سیاسی مشخص تلاش کرد ایشان را برای رهبری قانع کند. حتی در این راستا آنها در جماران جمع شدند و اعلام کردند از رهبری ایشان حمایت می‌کنند، ولی سید احمدآقا دست رد به سینه این جریان زد و کمترین تمایلی از ایشان را شاهد نبودیم. ایشان یادآور تذکر امام در این زمینه شدند و اینکه امام آیت‌الله‌خامنه‌ای را صالح برای مقام ولایت فقیه می‌دانستند یادآور شد و آنها را از خود ناامید کرد.

سید احمدآقا به صراحت گفت از رهبری کسی حمایت می‌کنم که در چارچوب قانون انتخاب شود. خود ایشان از اولین کسانی بود که با رهبری آیت‌الله‌خامنه‌ای بیعت کرد.»
وی افزود: «خوشبختانه امروز کارنامه‌ای از مرحوم احمدآقا خمینی در دست داریم که وارستگی این عزیز را در پیش روی ما قرار می‌دهد که خود را وقف ولی خود ساخت بدون اینکه هیچ‌گونه منفعت شخصی در این زمینه داشته باشد. اگرچه

خاطره

تدبیر و دوران دیشی احمد آقا به روایت هاشمی‌رفسنجانی



محرومان و مستضعفان است که نشان می‌دهد سیداحمد خمینی چه نگاهی به مردم داشته است. در خاطره ۲۵ آذر ۱۳۶۲ هاشمی از نگرانی‌های حاج احمد درخصوص وضعیت اقتصادی مردم و اقشار ضعیف جامعه می‌گوید و می‌نویسد: «احمدآقا پیش از ظهر آمد و در مورد گرانی و صف‌های مقابل نانواپی‌ها نگران بود.»
وی همچنین در ۲۱ خرداد ۱۳۶۴ روایت می‌کند که فرزند امام پیگیر رسیدگی به وضعیت محرومان است و درگیر ماجرا شده است. هاشمی می‌نویسد: «حاج احمدآقا آمد و درباره بنیاد مستضعفان که حاضر نیست بعضی از رقبات را به سازمان‌های خیریه دیگر واگذارد کند، گلایه داشت.»

سوء مصلحت اندیشی‌های حاج احمد درباره وقایع کشور در خاطرات هاشمی کم نیست. یکی از این دفعات مربوط به ماجرای دلخوری آیت‌الله ربانی الملسی است؛ جایی که او می‌خواسته از همه مناصب کشور دوری کند، اما با واسطت حاج‌احمد او مسئولیت می‌پذیرد و از دلخوری‌های احتمالی هم جلوگیری می‌شود. در خاطره ۲۷ دی ۱۳۶۱ هاشمی می‌گوید که احمدآقا از کسانی بود که به دنبال رفع سوءتفاهم‌ها و پذیرش مسئولیت از سوی آیت‌الله ربانی بود و نهایتاً به نتیجه هم رسید. موضوع دیگر اما مربوط به نظر امام درخصوص پخش موسیقی از تلویزیون است که با وجود نظر مخالف هاشمی، سیداحمد با آیت‌الله بهشتی نزد امام رفته و از ایشان درخواست می‌کنند که از انتشار این نظر در تلویزیون جلوگیری شود و امام هم موافقت می‌کنند. این خاطره در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۰ آمده است.

در جای‌جای خاطرات افرادی مانند اکبر هاشمی‌رفسنجانی نام سیداحمد خمینی به چشم می‌آید. هرچند برخی معتقدند حاج سیداحمد خمینی در مقطعی به‌ویژه پس از رحلت امام، منتقد مشی هاشمی‌رفسنجانی بوده، اما از خاطرات هاشمی معلوم است این دو همکاری‌های گسترده‌ای در دهه ابتدایی جنگ تحمیلی داشته‌اند. از این‌رو می‌توان با مرور خاطرات رئیس مجلس دوران جنگ به نکات مهمی درخصوص عملکرد و نظرات فرزند امام راحل پی برد که برخی از آنها به شرح زیر است:

اول سیداحمد خمینی در مقطعی با تدبیر ویژه تلاش کرده فضای افکار عمومی منطقه و جهان به نفع ایران سامان یابد و حقانیت ایران با ابعاد بهتری تبیین شود. هاشمی در ۲۷ خرداد ۱۳۶۳ از دقت نظر حاج‌احمد در تفهیم مظلومیت ایران در جنگ به سازمان ملل می‌گوید و می‌نویسد: «شب، احمدآقا تلفن کرد و اصرار داشت که نمایندگان سازمان ملل، برای نظارت بر زدن شهرها را در ایران بپذیریم؛ من هم موافقم. قرار شد با [آقای میرحسین موسوی] نخست‌وزیر که در این مورد تردید داشته است، صحبت شود.»

در جایی دیگر یعنی در خاطره ۹ شهریور ۱۳۶۳ هم هاشمی از نظر و ابتکار فرزند امام در مورد تبلیغات خارجی می‌گوید و می‌نویسد: «ساعت ۱۰ صبح احمدآقا آمد. از وضع تبلیغات راکد ما در مورد هواپیمای مسافربری رپوده شده انتقاد داشت، من هم تأیید نمودم. به وزارت خارجه گفتیم که مسئولی برای تعقیب جریان و خبرسازی و زنده نگه‌داشتن قضیه و فشار بر مجامع بین‌المللی، معین کنند و به توصیه سازمان ملل در مورد اینکه ما سروصدا را نیندازیم، توجه نمایم. عراق به جای جوابگویی به خاطر شرکت در هواپیما‌رایی، با زارت بردن مسافران، دارد مانور تبلیغاتی هم می‌دهد.»

نباید فراموش کرد که سیداحمد با صلابت بر موازین و آرمان‌های انقلاب و امام هم استوار بود، چنانکه در بسیاری از بخش‌های خاطرات هاشمی آمده که سیداحمد به دنبال حفظ استقلال کشور در عرصه‌های مختلف بود. از جمله این موارد خاطره ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۲ است که هاشمی در آن می‌نویسد: «سیداحمد در شرایط دشوار کشور، از اعتبار و تقویت سیاست نه شرقی و نه غربی انقلاب و ایران خوشحال بود و رضایت داشت.»

دوم بخشی از خاطرات هاشمی درخصوص دغدغه فرزند امام نسبت به



کار می‌رفت. اصل برای ایشان، همین‌ها بود. من بعد ادیدم در وصیت‌نامه‌شان هم همین را تصریح کرده‌اند. این راست است. این را من خود دیدم که برای ایشان در درجه اول، امام و انقلاب مطرح بود. رفاقت‌ها، دوستی‌ها، جبهه‌ها، باند‌ها و گروه‌ها، هیچ مطرح نبود.»

۳) مقام معظم رهبری در سخنرانی سال ۸۱ موضع حاج سیداحمد آقا بعد از رحلت امام را تحسین کرده و چنین روایت می‌کنند: «حاج احمدآقا در برهه بعد از رحلت امام، یکی از بهترین مواضعی را که ممکن است کسی مثل ایشان داشته باشد، در دفاع از اصول و موازین انقلاب و آن چهره حقیقی خط امام اتخاذ کرده بودند. ایشان واقعا از جان و دل از آن مواضع و از جمله از رهبری دفاع می‌کردند. دفاع بسیار جانانه‌ای که ایشان چه از اساس و اصل رهبری و چه از شخص حقیر می‌کردند، در بعضی روحیه‌هایی که ممکن بود به گونه دیگری فکر کنند یا احساس دیگری داشته باشند، تاثیرات زیادی داشت. به‌ر حال، موضع بعد از رحلت امام که ایشان اتخاذ کرده بودند، موضع بسیار ارزشمندی بود. من معتقدم یکی از بهترین فصول زندگی ایشان، عندالله، همین فصل اخیر است که ایشان واقعا راه خدا، راه حق و راه صحیح را متقرّباً الی الله برگزیده بودند. با اینکه یقیناً توقعات گوناگونی از ایشان بود؛ همان گونه که وسوسه‌هایی هم بود. آدم می‌بیند در اطراف بعضی از افراد، وسوسه‌هایی می‌شود. یقیناً در اطراف ایشان هم وسوسه‌هایی وجود داشت. در این شکی نیست. لکن ایشان قرص و محکم ایستاده بودند و همان اصولی را که مورد نظر شریف امام رضوان‌الله‌علیه بود، با قاطعیت تمام ابراز می‌کردند.»

روایت

رهبر انقلاب: با سیداحمد دشمن بودند چون او مدافع واقعی امام و انقلاب بود

پس از رحلت سیداحمد خمینی، فرزند رهبر فقید انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری در برهه‌های مختلف از عملکرد ایشان تجلیل کرده و خدمات ایشان به انقلاب را قابل توجه توصیف کردند. آنچه می‌خوانید، سه روایت ایشان از شخصیت حاج سیداحمد خمینی است که از نظر می‌گذرانید:
(۱) رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۷۹ در خطبه‌های نماز جمعه به مناسبت سالگرد ارتحال فرزند امام، شخصیت ایشان را چنین توصیف می‌کنند: «او حقیقتاً رنج کشید و تلاش و فعالیت کرد. در آن راهی که تشخیص می‌داد راه انقلاب و راه اسلام و راه موردنظر امام است، بی‌ملاحظه حرکت کرد و خیلی‌ها را هم با خودش دشمن کرد. بعضی از این دشمنی‌هایی که ولو با نام اسلام و با نام بعضی از دلسوزی‌ها نسبت به ما فهمیم زیبا انجام می‌گیرد، دشمنی‌های شخصی است؛ عقده‌هایی که از شخص این عزیز مظلوم در دل داشتند؛ چون او در مواضع امام متصلب بود و تسلیم نمی‌شد و زیر بار خواسته‌های خیلی‌ها نمی‌رفت. کسانی که برای دلخوشی دشمنان انقلاب و اسلام، زبان به هجو و بدگویی از مرحوم آقای حاج احمدآقا باز کردند، اینها در واقع پشت سر حاج احمدآقا از امام و انقلاب عقده دارند. دشمنی شخصی آنها با آن مرحوم به خاطر این است که او به معنای حقیقی کلمه مدافع امام و انقلاب در زمان حیات امام و بعد از حیات امام بود. ایشان از ارزش‌ها و اصول دفاع کرد و ایستاد و خلاف انتظار و توقع خیلی‌ها رفتار کرد.»

۲) رهبر معظم انقلاب در اولین سالگرد رحلت سیداحمد خمینی در یک مصاحبه چند ویژگی برجسته او را مطرح کردند؛ از جمله در بخشی از این مصاحبه چنین روایت می‌کنند: «حاج احمدآقا عنصر قابل و لایقی بودند. اولاً ایشان خیلی باهوش بودند. به نظر من در بین خصوصیات ذاتی و صفاتی که در یک انسان، برجسته است، اگر بخواهیم یکی را برای حاج احمدآقا از همه برجسته‌تر حساب کنیم، آن هوش ایشان بود. بسیار مرد باهوش و تیزو زیرکی بودند. بعضی از صفات خوب امام را هم من در ایشان دیدم. مثلاً آدم بی‌رودربایستی‌ای بودند.... من با ایشان هم از نزدیکی معاشرت و رفاقت داشتم. جاهایی که لازم بود اصلاً هیچ رودربایستی نداشتند. ایشان یک حالت صراحت خوبی را البته در مواردی ـ نمی‌گویم در همه‌جا ـ داشتند که تعبیر درستش همان رودربایستی نداشتن است.... علاوه بر این، از بُنِ دندان به این انقلاب اعتقاد داشتند و برای همین هم بود که آن هوش سرشار در خدمت انقلاب و امام به